**مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**
**شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۹، صفحات ۱۵۸- ۱۲۹**

# اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون رفت از آن

سیف‌الله فضلی‌نژاد[۱]
مرتضی احمدیان[۲]

**پدیده رانت و دولت رانتیر یا دولت تحصیل‌دار به ویژه با مطرح شدن نفت به عنوان عامل ایجاد دولت‌های رانتیر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان حوزه سیاست و جامعه قرار گرفت و در پی آن نظریات دولت و اقتصاد رانتی برای تبیین و توجیه فقدان توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی در کشورهای متکی به درآمد حاصل از رانت مورد استفاده قرار گرفت. این نظریات در مجموع چنین استدلال می‌کنند که اتکا به درآمدهای بادآورده حاصل از رانت و به ویژه رانت نفتی موجب می‌شود تا این موضوع بر ساخت دولت، روابط دولت و جامعه و در نهایت بر اقتصاد کشور پیامدهای منفی بسیاری داشته باشد. نظریه‌پردازان دولت رانتیر همچنین تصریح می‌کنند چنین شرایطی موجب می‌شود تا روحیه رانت‌جویی و مصرف‌گرایی در جامعه تشدید، ماهیت نمایندگی دولت تضعیف، قشربندی اجتماعی تغییر و دولت به توزیع‌کننده رانت تبدیل شود. این مقاله با تجزیه و تحلیل مشهورترین آثار نویسندگان و نظریه‌پردازان دولت رانتیر و با تأکید بر این نکته که نظریه دولت رانتیر و اقتصاد رانتی ناگزیر از پذیرفتن تغییر جدی در اقتصاد به ویژه در کشور ما می‌باشد ضمن معرفی ابعاد و پیامدهای دولت رانتی در دوران پهلوی و حاکم بودن یک اقتصاد رانتی در دوران جمهوری اسلامی ایران در پی این است تا ضمن به چالش‌کشیدن یک مدل دولت رانتیر، راهکارهای برون رفت از این موضوع را نشان داده و یک طراحی جدید برای جدا شدن از آن ارائه نماید.**

**واژه‌های کلیدی:** رانت، دولت رانتیر، اقتصاد رانتی، دولت رانتیر پهلوی، الگوی دولت رانتیر در ایران.

۱. دکترای علوم سیاسی،عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.
۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی و روابط بین الملل. cheshme.shahr@gmail.com

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

## ۱. مقدمه

امروزه اغلب اندیشمندان اقتصاد سیاسی اجماع دارند که فرایند توسعه‌یافتگی سیاسی و اقتصادی و امنیت ملی کشورهای صادرکننده نفت تحت تأثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی این کشورها قرار دارد. تأثیرپذیری حیات سیاسی و بطور مشخص امنیت ملی از نفت در چند دهه اخیر نمونه‌های متفاوتی دارد. برخی از ویژگی‌های صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به تکنولوژی‌های پیچیده کشورهای صنعتی و شرکت‌های چند ملیتی، وابستگی به سرمایه‌گذاری کلان برای اکتشاف و استخراج، کنترل قیمت نفت توسط نیروهای بین‌المللی، گستره و عمق تأثیرگذاری این ماده را بر سرنوشت ملی بیشتر کرده است.

به این ترتیب می‌توان گفت که وابستگی کشور ما به درآمد نفتی در عرصه اقتصاد بین‌الملل یک جنبه از موضوع است و جنبه دیگر آن در تقابل امنیت ملی کشور با درآمدهای نفتی تأثیری است که نفت در عرصه داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی دارد. متأسفانه باید اذعان داشت که اگر نفت را از اقتصاد ملی حذف نماییم تمام ارکان حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی ما به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تزریق سرمایه به بخش صنعت، واردات کالاهای اساسی، تأمین و دستیابی به تکنولوژی نوین صنعتی و نظامی و تأمین انرژی داخلی به درآمدهای نفتی وابسته است. به عبارتی صریح‌تر امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و حتی از دیدگاهی فراتر امنیت و ثبات سیاسی کشور تحت تأثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی می‌باشد. درآمد نفتی ایران به عنوان یک متغیر مستقل نقش اساسی در اقتصاد سیاسی ایران در طول ۸۰ سال گذشته ایفا کرده‌است. از لحاظ تاریخی جدا از رقابت‌های بین‌المللی برای دستیابی به امتیاز بهره‌برداری از این منبع عظیم، تخصیص و توزیع این درآمدها که در اختیار دولت خودکامه پیش از انقلاب بوده مشکلات و بحران‌های اقتصادی اجتماعی شدیدی همچون تورم، عدم کارایی، فساد و مصرف‌گرایی را بوجود آورده بود. پس از پیروزی انقلاب، درآمدهای نفتی پشتوانه مالی بسیار محکمی برای اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی دولت بوده است، اما همچنان بخش عظیمی از اقتصاد ایران متأثر از پدیده رانت می‌باشد، زیرا درآمدهای بادآورده نفتی در دوران جمهوری اسلامی ایران همچنان به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت محسوب می‌شوند. بنابراین، پیش از اینکه به تأثیر رانت نفتی بر سیستم اقتصادی و سیاسی و راهکارهای خروج از اقتصاد رانتی بپردازیم لازم است که رانت، خصوصیات اقتصاد رانتی، انواع، علل، منابع و زمینه‌های رانت و رانت‌جویی تعریف شود.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

## ۲. تعریف رانت

رانت در لغت به معنای بهره مالکانه، کرایه و اجاره ارائه شده است و در واقع درآمدی است که از مواهب طبیعی به دست می‌آید ویا به تعبیری، رانت جویی فرایندی است که طی آن یک فرد،نهاد یا گروه صاحب اطلاعات، فرصت‌ها و امتیازهایی شود که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و با تصاحب این فرصت‌ها به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دست یابندکه در این مفهوم از رانت نوعی ارتکاب به فساد نهفته است و این استفاده آگاهانه از امتیازات ویژه که دیگران در شرایط مساوی از آن بهره‌ای ندارند، اغلب زاییده انحصار است (بی‌نا،۱۳۸۲) و زمانی‌که در اقتصاد سیاسی درخصوص رانت بحث می‌شود منظور درآمدهایی است که برای دولت از منبع خارجی تأمین می‌گردد (طبیبیان،۱۳۷۱). مانند درآمدهای نفتی برای کشورهای صادرکننده نفت و یا درآمدی که مصر به عنوان حق عبور کشتی‌ها از کانال سوئز کسب می‌کند.

از دیدگاه دیگر، رانت درآمد ناشی از اشتغال یا مالکیت یک حق نهادی است بدون آنکه مالک برای دریافت این درآمد کمکی به تولید اجتماعی کرده باشد به این معنا که کسب این حق نهادی تأثیری بر ظرفیت تولید اجتماعی ندارد. باید اذعان داشت که رانت درآمدی خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی است که به لحاظ مفهومی امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را دارد و رانت‌جویی نیز عبارت است از جستجو برای دست یافتن به این درآمد مازاد (قاسمی،۱۳۸۳).

اکنون با توجه به تعاریف گذشته می‌توانیم واژه رانت را در یک جمع‌بندی به این صورت تعریف نماییم: رانت نوعی درآمد حاصل از منابع طبیعی یا اهدایی طبیعت به انسان می‌باشد که ثروت به دست آمده ناشی از فعالیت و نقش انسان نیست بلکه انسان تنها استخراج‌کننده و استفاده‌کننده از مزایای پس از استخراج است این منابع طبیعی ممکن است معادن، زمین کشاورزی و یا نفت و گاز باشد و این درست همان چیزی است که در مفهوم عامیانه به عنوان سود بادآورده نام برده می‌شود که کسب درآمد نه از طریق مشارکت عامل تولید در فعالیت اقتصادی بلکه به واسطه داشتن قدرت سلب اختیار از دیگران امکان پذیر شده است.

### ۲-۱. انواع رانت

رانت‌ها را باتوجه به منشأ ایجادکننده آنها می‌توان به گروه‌های مختلفی مانند رانت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعاتی تقسیم نمود.

**رانت اقتصادی:** نخستین کسی‌که پیرامون رانت اقتصادی مطالبی ارائه نمود، دیوید ریکاردو بود که ضمن تحلیل اقتصادی خود به نوعی بی‌عدالتی در میزان سود برای تولیدکنندگان محصولات

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

کشاورزی پی‌برد و سود غیرعادلانه‌ای را که نصیب برخی از آنها می‌شد را رانت نامید، اما به طور کلی رانت‌های اقتصادی ناشی از برخی عوامل اقتصادی مانند منابع‌طبیعی، محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و نحوه توزیع بودجه و اعتبارات دولتی است.

**رانت سیاسی:** شکل‌گیری رانت سیاسی یکی از پیامدهای فساد سیاسی در هر جامعه است و هرگاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری درخصوص منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قایل شوند و در واقع اراده متنفذان سیاسی به آن باشد که با خارج‌کردن رقبا از میدان امتیازی را به یک فرد یا گروه خاص بدهند یک رانت سیاسی برای آن فرد یا گروه خاص شکل می‌گیرد.

**رانت اجتماعی:** برخورداری از برخی امتیازات ویژه که خارج از صلاحیت‌های فردی و شایستگی‌های‌ذاتی برخی افراد نصیب آنها می‌شود، رانت اجتماعی‌محسوب‌می‌گردد.رانت اجتماعی حاکی از برخورداری افراد یا گروه‌های فاقد صلاحیت از امتیازات اجتماعی است که استحقاق آن را ندارند و منجر به انباشت ثروت نزد عده‌ای معدود از افراد جامعه می‌شوند. برخورداری از رانت اجتماعی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. گاهی افراد با استفاده از موقعیت شغلی خود از فرصت‌هایی برخوردار می‌شوند،گاهی روابط خویشاوندی یا قرارگرفتن در یک تشکل یا گروه خاص و یا گاهی اعمال نفوذ سیاسی در تصویب برخی قوانین که شمول عام دارند باعث می‌شود برای عده‌ای رانت‌های اجتماعی پدید آید مانند احداث جاده، کارخانه، سد و موارد دیگر که منجر به افزایش قیمت زمین عده‌ای می‌شود.

**رانت اطلاعاتی:** دستیابی زودهنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه سیاست‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، امور مالی وطرح‌های عمرانی منشأ یکی از مهم‌ترین انواع رانت به نام رانت اطلاعاتی است. به این ترتیب که عده‌ای از افراد با به دست آوردن زودرس اطلاعات مختلف در زمینه تغییرات قریب‌الوقوع در قوانین و مقررات، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید، اصلاحات در محدوده‌ها و نقشه‌های جامع شهری از این اطلاعات در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند که به ثروت‌های هنگفتی دست می‌یابند. این دستیابی زیرکانه به اطلاعات صحیح خود موجب شکل‌گیری رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه می‌شود (بی‌نا،۱۳۸۲).

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

## ۳. دیدگاه‌های نظریه‌پردازان

حسین مهدوی (۱۹۷۰) در مقاله خود تحت عنوان الگوها و اهمیت توسعه اقتصادی در دولت‌های رانتیر با در نظر گرفتن ایران، دولت رانتیر یا تحصیلدار را به‌این‌صورت تعریف می‌نماید:

دولت‌های رانتیر، دولت‌هایی هستند که به طور منظم میزان معینی از رانت خارجی را دریافت می‌کنند. این رانت که منشأ آن بیرون از دایره اقتصاد داخلی است رانتی است که از سوی افراد خارجی، شرکت‌های بزرگ یا حکومت‌ها در اختیار افراد، شرکت‌ها و حکومت‌های یک کشور خاص قرار می‌گیرد. درآمد کانال سوئز، حق عبور لوله نفت از یک کشور و نفت کشورهای صادرکننده نفت به عنوان رانت خارجی محسوب می‌شود. در این میان آنچه اهمیت دارد این است که درآمدهای رانتی نفتی حاصل فرایند تولید در اقتصاد داخلی نیست و عوامل اقتصاد داخلی کمتر در آن مؤثر هستند و در واقع عطیه‌ایی خدادادی یا موهبتی طبیعی است.

حازم ببلاوی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان دولت تحصیلدار در جهان عرب ویژگی‌های یک دولت رانتی و تحصیلدار را به این صورت می‌شمارد:

دولت رانتی به طور عمده به رانت خارجی وابسته است، در واقع در یک دولت تحصیلدار (رانت‌جو) تنها اندکی به کار تولید مشغولند و اکثریت به امر توزیع یا استفاده از آن می‌پردازند، تولید ثروت دلیل تمام فعالیت‌ها است و استفاده از آن معلول به شمار می‌رود. به‌عنوان مثال، در خصوص کشورهای تولیدکننده نفت نقش درآمدهای نفتی به قدری است که علت اصلی دیگر فعالیت‌ها به شمار می‌رود. در دولت رانتی و اقتصاد رانتی، تولید ثروت به وسیله بخش کوچکی از جامعه انجام می‌گیرد و مابقی جامعه به کار توزیع و استفاده از ثروت مشغول هستند و از آنجا که حکومت دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است تنها شمار اندکی از مردم بر رانت خارجی نظارت دارند.

ببلاوی معتقد است که این اقتصاد نوعی روحیه رانت‌جویی ایجاد می‌کند. تفاوت اساسی روحیه رانت‌جویی با رفتار اقتصادی در این است که در رابطه علت و معلولی (کار و تلاش) خلل وارد می‌کند.

علیرضا ازغندی (۱۳۸۸) نیز رانت را به مثابه اقتصادی، درآمدی می‌داند که بدون زحمت و تلاش یدی به دست می‌آید؛ در واقع رانت به درآمدهایی اطلاق می‌شود که دولت از منابع خارجی (مانند فروش منابع زیرزمینی و دریافت کمک از بیگانگان) بدست می‌آورد، این درآمدها هیچ ارتباطی با درآمدهای تولید اقتصاد داخلی ندارند. نمونه بارز این نوع درآمدها ناشی از فروش نفت، آهن، آلومینیوم، مس و ... است که البته در شمال آفریقا و خاورمیانه، رانت محدود به درآمدهای

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

نفت وگاز است. وی معتقد است که برخلاف اقتصاد تولیدی که ثروت نتیجه کار و کوشش است، ثروت ناشی از تصادف، شانس، روابط فامیلی و نزدیکی به منابع قدرت است.

## ۴. رانتیریسم و تأثیرات آن

ادبیات مربوط به دولت رانتیر چنین تصور می‌نماید که سیاست و حکومت در تمام دولت‌های رانتیر در چارچوب مدل رانتیریسم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، رانتیریسم به عنوان جزء داخلی رفتار دولت رانتیر متصور می‌شود. در هر حال این رانت خارجی پیامدهای مختلفی بر ساختارهای داخلی جامعه دارد که می‌توان این پیامدها را در سه عرصه دولت، روابط دولت و جامعه و عرصه اقتصاد به تفکیک مورد بررسی قرار داد.

### ۴-۱. پیامد رانتیریسم بر ساخت دولت

به طور کلی می‌توان گفت که رانتیریسم سه تأثیر عمده را بر ساخت دولت شامل می‌شود:

**- افزایش استقلال دولت از جامعه**

دولت رانتیر در مسیر کسب رانت، استقلال فنی و اقتصادی از جامعه دارد و همین موضوع سبب جداشدن بدنه دولت از جامعه می‌شود و استقلال اجتماعی دولت رانتیر را درپی دارد. به عبارتی، ماهیت رانتیر دولت به‌گونه‌ای است که در آن جامعه وزنه قابل اعتنایی به شمار نمی‌رود زیرا منبع قدرت (نفت یا هر ماده خام دیگر) در اعماق زمین قرار دارد و دولت به صورت انحصاری عهده‌دار بهره‌برداری از این منبع طبیعی است (میرترابی،۱۳۸۴).

**- ایجاد مانع در مسیر توسعه سیاسی**

زمانی‌که دولت کنترل بخش اعظم ثروت موجود در جامعه (درآمدهای نفتی) را در اختیار می‌گیرد، زمینه کنترل منابع قدرت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز به دست می‌آورد. این فرایند تمرکز منابع قدرت در دست دولت، از توزیع آن در سطح جامعه و قدرت‌یابی گروه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. در چنین فضایی امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر قدرت و در نهایت توسعه سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود (بشریه،۱۳۸۲).

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

**- تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت**

در ادبیات سیاسی به ویژه در چارچوب نظریات مبتنی بر کارکردگرایی، نظام سیاسی به عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی کار ویژه‌های خاصی را بر عهده دارد که از جمله آنها کار ویژه استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آنها است. براساس این تحلیل، یکی از معیارهای عمده سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی، بررسی توان استخراج و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است (توحیدفام،۱۳۸۲). دولت‌های رانتیر نه تنها در زمینه توان پاسخگویی به جامعه‌اند هستند بلکه در خصوص استخراج و باز توزیع صحیح منابع در داخل جامعه نیز ناکارامدند.

**- تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت**

یکی دیگر از پیامدهای رانت بر دولت، تبدیل دولت به توزیع‌کننده رانت در جامعه است. دولت در چنین شرایطی اساسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. این دولت همان دولت تخصیصی است که نظریه‌پردازان به دلیل اهمیت ویژگی توزیعی این دولت‌ها به آنها دولت تخصیصی می‌گویند و آنها را در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند (گیاکومو،۱۹۸۷). در چنین شرایطی کل نظام سیاسی و اجتماعی به میزان و چگونگی تخصیص هزینه‌های دولت وابستگی پیدا می‌کند.

**۴-۲. پیامد رانتیریسم بر روابط دولت و جامعه**

تأثیر رانتیریسم بر روابط دولت و جامعه را می‌توان به دو صورت عمده مشاهده کرد: یکی دگرگونی در قشربندی اجتماعی و دیگری تغییر شکل تقابل دولت و جامعه.

**الف) دگرگونی در قشربندی اجتماعی**

دولت‌های رانتیر اساساً رانت را به شیوه نابرابری در سطح جامعه توزیع می‌کنند. در یک جامعه با ساختار رانتیر تمام افراد کم و بیش از مزایای ناشی از رانت بهره‌مند می‌شوند، اما میزان بهرمندی افراد از این رانت به شدت متفاوت است. دولت رانتیر اساساً از رانت به عنوان ابزاری برای کسب رضایت افراد جامعه و بالابردن مشروعیت خود استفاده می‌کند. یک دولت توزیع‌کننده رانت بر خلاف دولت متکی به مالیات که باید انرژی فراوانی را برای استخراج درآمدهای مورد نیازش صرف کند صرفاً باید تصمیم بگیرد که کدام یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت‌های نفتی برتری دارند (کاتوزیان،۱۳۸۴). لذا در همین ارتباط است که حازم ببلاوی و لوسیانی خاطر نشان

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

می‌کنند که درآمدهای نفتی دولت را قادر می‌سازد که اتفاق نظر سیاسی را به سود خود خریداری کند (گیاکومو،۱۹۸۷).

**ب) تضعیف ماهیت نمایندگی دولت**

یکی از نتایج منطقی نظریه دولت رانتیر این است که از آنجا که رهبران دولت نیازی به استخراج منابع ندارند ضرورتی احساس نمی‌کنند که به نمایندگی‌کردن از مردم بپردازند (نجم‌آبادی، ۱۹۸۷).

وابستگی فزاینده دولت رانتیر به درآمد رانت به این معنا است که از فشار مالی دولت بر جامعه کاسته شود، زیرا همان گونه که ذکر شد دولت‌های رانتیر اساساً به درآمد مالیاتی به عنوان منبع اصلی تأمین هزینه‌های خود توجهی ندارد. نظریه‌پردازان دولت رانتیر معتقدند در چنین شرایطی دولت در مقابل دریافت نکردن مالیات از جامعه به توافقی ضمنی با مردم دست می‌یابد که در چارچوب آن مردم دیگر انتظار ندارند تا دولتی منتخب و نماینده جامعه داشته باشند. به عبارت دیگر، شعار عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی به جزئی اساسی از ساختار رانتیریسم تبدیل می‌شود. چنین توافقی سبب تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هرچه بیشتر دولت رانتیر بر جامعه می‌شود (حاجی‌یوسفی،۱۳۸۷).

**۴-۳. پیامد رانتیریسم بر اقتصاد**

به طور معمول، رانتیریسم پیامدهای گسترده‌ای بر اقتصاد جامعه دارد. با این حال دو نکته عمده از این پیامدها اشاره می‌شود که عبارتند از تشدید روحیه رانت‌جویی و مصرف‌گرایی و اختلال در برنامه‌های توسعه اقتصادی.

**الف) تشدید روحیه رانت‌جویی و مصرف‌گرایی**

باید توجه داشت که فعالیت‌های رانت‌جویانه اساساً فعالیت‌هایی غیر مولد و غیر اقتصادی‌اند و روی‌آوردن بازیگران اجتماعی به این فعالیت‌ها به زیان فعالیت‌های مولد منجر خواهد شد و بخشی از سرمایه‌های جامعه را نیز در مسیر اشتباه به هدر خواهد داد (خضری،۱۳۸۱).

تجربه دولت‌های رانتیر حاکی از این است که این گونه دولت‌ها عموماً برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده جامعه، ساده‌ترین و راحت‌ترین کار را در پیش می‌گیرند یعنی به واردات گسترده مواد و کالاهای مورد نیاز جامعه متوسل می‌شوند. حضور گسترده کالاهای وارداتی در بازار داخلی هم به تولیدکنندگان داخلی به ندرت ضربه می‌زند و هم روحیه مصرف‌گرایی را در جامعه دامن می‌زند و این موضوع همان چیزی است که در کتب مختلف تحت عنوان حاکم شدن نوعی روحیه

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

رانتی مطرح می‌شود. بنابراین، دولت رانتیر برای ارضای تقاضاهای فزاینده جامعه تازه ثروتمندشده نوکیسه اقدام به واردات زیاد به ویژه کالاهای لوکس و مواد غذایی می‌نماید.

**ب) اختلال در برنامه‌های توسعه اقتصادی**

همان‌گونه‌که پیش از این ذکر شد، دولت رانتیر به صورت انحصاری رانت را دریافت و آن را هزینه می‌کند. همین امر سبب می‌شود تا دولت بدون مشورت با گروه‌های اجتماعی و بدون در نظر گرفتن مسائلی همچون کارایی و بازدهی اقتصادی، برنامه‌های خود را به اجرا در آورد. در چنین فضایی دولت‌های رانتیر، براساس تجربه تاریخی به سیاست‌های مبتنی بر جایگزینی واردات روی می‌آورند. در نتیجه گسترش صنایع با هدف افزایش تولیدات داخلی و کاهش واردات مورد توجه قرار می‌گیرند، اما مشکل این است که معمولاً صنایعی که در چنین شرایطی پدید می‌آیند از کارایی و انعطاف پذیری لازم برخوردار نیستند و به دلیل پایین بودن کیفیت محصولات این صنایع تولیدات آنها تنها در بازار داخلی قابل فروش است (کردزاه‌کرمانی، ۱۳۸۰).

## ۵. از نفت تا رانت

مواد نفتی از گذشته شناخته شده بود و از ابتدای کشف و استخراج آن تا به امروز به تدریج بر اهمیت آن افزوده شده است. گروهی معتقدند که نفت و مشتقات آن از چهار هزار سال پیش از میلاد مورد استفاده قرارگرفته است. آموزه‌های دین زرتشت نیز که آتش را مظهر اهورامزدا برمی‌شمرد سبب توجه ایرانیان باستان به نفت به عنوان ماده‌ای برای روشن نگه‌داشتن آتش شد. برخی آتشگاه‌های دوران زرتشتی‌گری در ایران بدون نیاز به چوب و هیزم به طور دائم مشتعل بودند که آنها را آتش جاویدان می‌خواندند (فرشادگهر، ۱۳۸۱).

ایرانیان باستان در جنگ‌ها نیز از نفت و مشتقات آن برای به آتش کشیدن قلعه دشمنان و درمان شکستگی‌ها استفاده می‌کردند. هرودوت قدمت آشنایی انسان با نفت را بیش از چهارهزار سال پیش از میلاد ذکر کرده است. استفاده از نفت و قیر برای مومیایی کردن اجساد در مصر قدیم مشهور است. همچنین در گذشته از مواد نفتی به عنوان سوخت یا برای قیراندود کردن قایق‌ها و سدها و یا معالجه امراض پوستی و عفونی همانند وبا، سل و روماتیسم بهره‌گیری می‌شد (ذوقی، ۱۳۷۴).

بشر در گذشته تنها از مشتقات نفتی که در سطح زمین جریان یافته بودند، استفاده می‌کرد به گونه‌ای که در برخی مناطق مانند اروپایی شرقی و رومانی دهقانان زمین را با دست می‌کندند و پس از جمع‌آوری تراوشات طبیعی داخل زمین آن را تقطیر می‌کردند که ماده‌ای از آن به دست

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

می‌آوردند و از آن به عنوان سوخت چراغ روشنایی استفاده می‌کردند (یرگین،۱۳۷۴). در هر صورت، تاریخ نفت در قرون جدید از قرن ۱۹ آغاز می‌شود.

در سال ۱۸۳۳ یکی از دانشمندان آمریکایی مقداری نفت خام را در آزمایشگاه خود تقطیر کرده و دریافت که از این نفت خام می‌توان نفت سبک‌تری به دست آورد که در چراغ روشنایی به مصرف برسد (فاتح،۱۳۸۴). اما در سال ۱۸۵۹ نخستین چاه نفت در عمق ۲۳ متر در پنسیلوانیا حفر گردید و سوخت مایع به دست آمد و در پی آن تولید جهانی نفت روز به روز افزایش پیدا کرد و در سال ۱۹۷۴ استخراج آن به ۲۷۶۰ میلیون تن رسید (واسیلیف،۱۳۵۸).

در نهایت اینکه اختراع نفت در قرن ۲۰ به حدی رسید که لرد کرزن سیاستمدار مشهور انگلیسی در خصوص نفت و اهمیت آن در جنگ‌های جهانی می‌گوید: متفقین به پیروزی نایل نگردیدند مگر به واسطه نفت (لسانی،۱۳۵۷). اما به هر حال نخستین چاه نفت ایران در سال ۱۲۸۷ شمسی و ۱۹۰۸ میلادی در مسجد سلیمان بهره‌برداری شد (قطبی،۱۳۸۲). با این حال آثار سیاسی و اجتماعی استخراج طلای سیاه تا سال‌ها در ایران هویدا نشد و سلسله قاجار سال‌های پایانی خود را با درآمد حاصل از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و همچنین معادن گذراند (شکاری،۱۳۸۷).

البته باید عنوان کرد که رضاشاه نخستین کسی بود که سهم درآمدهای نفتی را در درآمدهای دولت افزایش داد و آن را در اجرای طرح‌های توسعه و نوسازی کشور بکار گرفت (کدیی،۱۹۸۹).

نکته قابل تأمل دیگر این است که تا زمان به قدرت رسیدن رضاشاه به دلیل فقدان قدرت مرکزی، درصدی از درآمدهای نفتی به عنوان حق محافظت از تأسیسات نفتی به ایلات و عشایر پرداخت می‌گردید، اما رضاشاه با سرکوب عشایر و خلع سلاح آنها، این درآمدها را به دولت باز گرداند (رئیس‌طوسی،۱۳۶۳).

با این حال درآمد دولت ایران از این بخش چه در عصر قاجار و چه دوران پهلوی اول در حدی نبود که مهم‌ترین منبع درآمدی دولت باشد. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد و با آغاز فعالیت کنسرسیوم درآمد نفتی ایران سیری ثابت و رو به رشد یافت. این مسئله سرانجام سبب شد در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ و ابتدای دهه ۱۳۴۰ درآمدهای نفتی در جایگاه اصلی‌ترین منبع درآمد دولت قرار گیرد که در پی آن دولت رانتیر در ایران شکل گرفت.

## ۶. درآمدهای نفتی ایران در دوره زمانی (۱۳۳۲-۱۲۹۱)

دولت رانتیر دولتی است که بخش اعظم درآمد خود را از طریق صدور یک یا چند ماده خام به مؤسسات یا کشورهای خارجی به دست آورد. حازم ببلاوی در این زمینه از سهم حداقل۴۲

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

درصدی این درآمد در مجموعه درآمدهای دولت سخن گفته است. چنین تعریفی برای توضیح دولت ایران درمقطع زمانی (۱۳۳۲-۱۲۹۱) یعنی اواخر دوره قاجار و حتی دوران پهلوی اول صادق نیست؛ در واقع از دهه ۱۳۴۰ درآمد نفت به این جایگاه در اقتصاد ایران دست یافت.

در جمع‌بندی از وضعیت درآمدهای نفتی ایران طی دوره (۱۳۳۲-۱۲۹۱) می‌توان گفت که در این دوره درآمد نفتی به ساخت قدرت براساس الگوی دولت رانتیر در ایران منجر نشد، اما جایگاه برتری در درآمدهای دولت به دست آورد. تولید نفت ایران دراین دوره از ۴۳ هزار تن در سال آغاز شد و به ۳۱۷۵۰ هزار تن رسید و درآمد حاصل از آن نیز از ۲۵۰ هزار لیره در یک سال آغاز شد و به ۱۶ میلیون لیره رسید.

در این دوره، درآمد نفتی تا سطح $\frac{۱}{۳}$ از درآمدهای دولت رسید که در واقع در آن زمان نیز نسبت به سایر درآمدهای دولت دست بالا را داشت هرچند سبب شکل‌گیری دولت رانتیر در ایران نشد. نباید فراموش کرد که عوارض ساخت دولت رانتیر در دولت‌های این دوره وارد نشد و رضاشاه بیشتر وظایف سنتی مربوط به دولت‌ها را انجام می‌داد (عباسی،۱۳۸۳).

## ۷. درآمدهای نفتی ایران در دوره زمانی (۱۳۵۷-۱۳۳۲)

با کودتای ۲۸ مرداد و پس از آن ورود کنسرسیوم به صنعت نفت ایران عملاً بسیاری از اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت از بین رفت، اما تولید و عرضه نفت ایران به کنسرسیومی واگذار شد که ۵۰ درصد از خالص دریافتی‌های خود را به دولت ایران می‌پرداخت. این موضوع و ارتقاء جایگاه نفت میان انرژی‌ها و نیز رشد تقاضاهای بین‌المللی برای خرید آن سبب شد از آن تاریخ تا امروز درآمدهای ملی ایران تثبیت شوند. تثبیت درآمد نفت به حدی بود که گروهی از کارگزاران حکومت را به فکر بهره‌برداری از آن در زمینه توسعه کشور و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی انداخت. نخستین بار در سال ۱۳۲۸ نهادی برای تدوین یک برنامه توسعه در ایران تشکیل شد. برنامه اول تهیه‌شده توسط این نهاد به دلیل قطع درآمدهای نفتی در سال‌های نهضت ملی ناکام ماند، اما با بازگشت این درآمدها دومین برنامه این نهاد- که به نهادی دائمی با عنوان سازمان برنامه تبدیل شده بود- برای اجرا در سال‌های (۱۳۴۱-۱۳۳۴) ارائه شد که ۶۴/۵ درصد از منابع اجرای آن سهم درآمدهای نفتی بود (مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی،۱۳۷۶).

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

بنابراین سال ۱۹۵۷ را می‌توان سال تبدیل ایران به یک دولت رانتیر لقب داد و از این زمان به بعد نفت علاوه بر اینکه همواره سهمی بیش از ۴۰ درصد را در درآمدهای دولت ایران داشته به عنوان یک متغیر مستقل نظام اقتصادی و سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داده است (شکاری،۱۳۸۷).

دکتر حسین مهدوی با ارزیابی درآمد نفت ایران در همین دوره نظریه دولت رانتیر را ارائه داده و ایران را مصداق بارز آن معرفی کرده و چنین آورده است که سهم درآمدهای نفتی در مجموعه درآمدهای دولت از ۱۱ درصد در سال ۱۹۵۴ میلادی (تقریباً۱۳۳۳) به ۵۰ درصد در سال ۱۹۶۵ میلادی (تقریباً۱۳۴۲) افزایش یافته است (مهدوی، ۱۹۷۰).

طی سال‌های دهه ۱۳۵۰ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌گاه وابستگی دولت به درآمدهای نفتی زیر ۵۴ درصد نبود. البته در سال۱۳۵۷ به دلیل اعتصاب کارکنان صنعت نفت تولید نفت ایران کاهش یافت و درآمد نفتی کشور به ۱۵ میلیارد دلار کاهش یافت. نگاه کلی به میزان درآمدهای نفتی دولت در دوره (۱۳۵۷-۱۳۳۲) نشان می‌دهد که تقریباً از سال ۱۳۳۲، این درآمد بیش از ۴۰ درصد منابع درآمدی دولت را تأمین کرده است. اگر تعریف ببلاوی در خصوص میزان لازم درآمد رانتی برای ساخت دولت رانتیر را بپذیریم (۴۲درصد درآمد دولت) باید گفت که از سال ۱۳۳۹ ساخت دولت در ایران رانتیر بوده است.

## ۸. ابعاد و پیامدهای دولت رانتیر در دوران پهلوی

تأثیر نفت و درآمدهای آن بر ساختار سیاسی و اجتماعی ایران انکارناپذیر است و شاید بتوان گفت که تأثیر این متغیر در ایران حتی بیشتر از دیگر کشورهایی است که شرایطی مشابه ایران داشته‌اند. از این لحاظ شاید ایران اولین و بالاترین کشوری باشد که نفت در آن چنین جایگاهی داشته است.

ایران اولین اعطاکننده امتیاز نفت به بیگانگان در سال ۱۹۰۱ بود و اولین استخراج صنعتی نفت در خاورمیانه در سال ۱۹۰۸ در ایران انجام شد و اولین کشوری بود که صنعت نفت در سال ۱۹۵۱ در آن ملی گردید. در ادامه باید گفت که دولت پهلوی دولتی رانتیر بود زیرا به طور منظم مقادیر عظیمی از رانت خارجی را دریافت می‌کرد. سه عامل میراث تاریخی یعنی نظام سیاسی پاتریمونیال[1] در ایران، اوضاع داخلی ایران یعنی ناکامی جبهه ملی در اداره موفق کشور و وضعیت بین‌المللی یعنی شرایطی که آمریکا می‌کوشید دولت دست نشانده خود در ایران را حفظ کند تا به دام کمونیسم نیفتد زمینه‌ساز شکل‌گیری و تثبیت دولت رانتیر در ایران شد (حاجی‌یوسفی،۱۳۸۲).

۱. فرهنگ سیاسی پاتریمونیال به معنای پدرسالاری و فرهنگ امریت – تابعیت می‌باشد.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

## ۹. الگوی دولت رانتیر در جمهوری‌اسلامی‌ایران

براساس تعاریف ارائه شده از دولت تحصیلدار، نظام جمهوری اسلامی را نیز می‌توان به گونه‌ای ادامه همان وضعیت قبلی در زمینه مسائل اقتصادی دانست یعنی تمام ویژگی‌های دولت تحصیلدار را داراست. در حالی‌که دولت جمهوری اسلامی حیات خود را در گروی همکاری رانت‌خوارانه با بورژوازی تجاری می‌داند هرچند که به نظر می‌رسد کارایی دولت در جمع‌آوری مالیات‌ها بیشتر شده است و در طول سال‌های گذشته تلاش‌هایی چه از لحاظ نظری و چه در عمل در جهت کاهش درآمدهای دولت به منابع زیرزمینی از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی صورت گرفته، اما واقعیتی است انکارناپذیر که ایران تنها با فروش سخاوتمندانه منابع خدادادی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. حتی می‌توان ادعا کرد که ایران با وادار کردن مردم به اطاعت در زمینه‌های ایدئولوژیکی و اخلاقی و با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مشوق صنوف دلالی و غیرتولیدی و توزیع رانت و اعطای یارانه گسترده‌تر از قبل ماهیت تحصیلداری پیدا کرده است. در واقع با وجود کاهش درآمدهای نفتی در بودجه دولت، ملاحظات سیاسی ویژگی دولت توزیعی را در دولت اسلامی گسترش داده است (ازغندی،۱۳۸۴).

تدا اسکاچپول با استفاده از نظریه دولت تحصیلدار، درآمدهای کلان نفتی پهلوی را که چهره غیر دموکراتیک به دولت بخشیده بودند، زمینه‌ساز انقلاب ۱۳۵۷می‌داند و برای جمهوری اسلامی به دلیل اتکا به منابع خدادادی همین ماهیت را قائل است. امیرمحمدحاجی یوسفی نیز باتوجه به سهم درآمدهای نفتی در کل درآمد عمومی، دولت ایران را تحصیلدار دانسته زیرا بلافاصله پس از تغییر رژیم و استقرار جمهوری اسلامی وابستگی‌های دولت به درآمدهای نفتی افزایش یافت. بعلاوه ملی‌کردن بانک‌ها، شرکت‌های تولیدی، صنعتی، تجاری، کشاورزی، خدماتی، بیمه، حمل‌ونقل و مخابرات و مصادره حکومتی کارخانه‌ها، تسلط و سلطه دولت بر امور اقتصادی به صورت بسیار گسترده‌ای افزایش یافت.هرچند که در سال‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به دلیل جو انقلابی حاکم بر جامعه روند دولتی‌کردن منابع و فعالیت‌ها تمایز بین دولت و جامعه مدتی از بین رفت و مفهوم دولت تحصیلدار تحت الشعاع امواج انقلاب و ضرورت دفاع از وطن و انقلاب قرار گرفت، اما از پایان جنگ در سال ۱۳۶۸ به بعد دولت تحصیلدار و رانتی ماهیت خود را نمایان می‌سازد. در این سال‌ها سیاست توسعه اقتصادی درون‌زا و بازسازی جنگ، تمرکزگرایی از تهران و تعادل منطقه‌ای و سیاست توسعه اقتصادی جایگزینی واردات به طور رسمی اعلام می‌شود (ازغندی،۱۳۸۴) اما تحت فشار بانک جهانی و برنامه تعدیل اقتصادی، سیاست جایگزینی واردات جای خود را به استراتژی

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

توسعه صادرات داد که حاصل آن اتخاذ سیاست‌های خصوصی‌سازی و آزادسازی بود. برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی برای سال‌های (۱۳۷۸-۱۳۷۴) هم از لحاظ ساختاری و هم از لحاظ ماهیت و هم از این جهت که تأمین برنامه عمدتاً به درآمدهای نفتی وابسته بود هیچ تفاوتی با برنامه توسعه سال‌های گذشته نداشت. بنابراین، به هدف اصلی خود که برقراری عدالت اجتماعی بود دست نیافت (پوراحمدی و فوزی،۱۳۸۲).

امیرمحمدحاجی یوسفی با تأسی از الگوی لوسیانی بین فرایند آزادسازی اقتصادی دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) و آزادسازی نسبی سیاسی دوره ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی پس از ۱۳۷۶ با تمرکز بر ماهیت دولت تحصیلدار رابطه‌ای برقرار ساخته و تحقق شرایط آزادسازی نسبی سیاسی را همانند آزادسازی اقتصادی سال‌های ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ناشی از افول ماهیت دولت تحصیلدار دانسته است. حاجی یوسفی اضافه می‌کند که بحران ناشی از ۸ سال جنگ و عدم کارامدی دولت تحصیلدار در فائق آمدن بر بحران مالی و اقتصادی، نقش تحصیلداری دولت را کاهش داد و نظام سیاسی را به سوی مشارکت اقتصادی و سیاسی با گروه‌های اجتماعی سوق داد و شعار جامعه مدنی و توسعه سیاسی را سرلوحه سیاست خود قرار داد (یوسفی،۱۳۷۶). هرچند که این تلاش‌ها و سیاست‌ها وابستگی دستگاه حکومتی به منابع نفتی را کاهش نداد، زیرا در ۸ سال ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی به رغم افزایش درآمدهای دولت از درآمدهای مالیاتی و صادراتی باز هم منبع اصلی درآمد دولت را منابع خدادادی تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، شاهد افزایش روزافزون واردات کالاهای مصرفی چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی و همچنین افزایش دائمی مصرف انرژی در داخل کشور هستیم. ضمن اینکه حفظ وضع موجود در زمینه صادرات نفت در گروه‌های سرمایه‌گذاری $\frac{۱}{۳}$ درآمد ارزی نفت در خود صنایع نفت بوده است (شامبیانی،۱۳۷۶).

پس از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ طبقه متوسط و لایه‌های اصلاح‌طلب طبقات دیگر جامعه تلاش همه جانبه‌ای از طریق نهادهای مشارکت قانونی در جهت افزایش سهم خود در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی انجام دادند. اما همزمان مدیریت ناکارامد و رانت‌خواران حرفه‌ای با دخالت‌های قانونی و غیرقانونی در نهادهای اجتماعی و در فرایند نهادسازی مدنی در تضعیف جامعه مدنی گام برداشتند و به این ترتیب تمام آرزوهای مشارکت‌کنندگان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ بر باد رفت و دولت تحصیلدار با همان پشتوانه‌های ارزی- رانتی و برخورداری از حمایت علنی و پنهانی نیروهای طرفدار خود حتی قوی‌تر از گذشته به حیات سیاسی

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

خود ادامه می‌دهد (ازغندی،۱۳۸۴). به‌رغم وجود تفاوت‌های چشمگیر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که جمهوری اسلامی با دولت‌های قبل از خود دارد، اما به دلیل تشدید وابستگی به درآمدهای ارزی ناشی از فروش منابع زیرزمینی بیشتر ویژگی‌ها و خصوصیات دولت تحصیلدار را همانند گذشته دارا می‌باشد. با پیروزی انقلاب تحول عمیقی در سیاست‌های ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی پدید آمد. این تحول که آثار شگرفی بر وضعیت تولید نفت و مواضع نفتی ایران در بازار جهانی انرژی برجای گذاشت معلول نگرش متفاوت رهبران انقلاب به موضوع منابع نفت کشور و شیوه بهره‌برداری از آن بود. در چنین شرایطی، نوسان‌های شدیدی در زمینه تولید و صادرات نفت ایران پدید آمد اما با گذشت دوره ۱۰ ساله مربوط به تب و تاب انقلاب وجنگ، زمامداران کشور به تدریج به سوی اتخاذ سیاست‌هایی با هدف ایجاد ثبات در بخش نفت و توسعه توان تولید و صادرات این بخش گرایش پیدا کردند.

با پایان گرفتن جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی صنایع تخریب‌شده کشور، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دستور کار دولت و برنامه‌های توسعه قرار گرفت. با این حال به واسطه مجموعه شرایطی که عمدتاً پس از انقلاب پدید آمد، محدودیت‌ها و موانعی در راه جذب سرمایه‌های خارجی در بخش نفت و گاز ظاهر شد که بر روند سرمایه‌گذاری‌های بعدی در این بخش تأثیر فراوانی داشت.

## ۱۰. قراردادهای بیع متقابل

در شرایطی که مسئولان کشور پس از پایان جنگ، ضرورت جذب سرمایه‌های خارجی در بخش نفت و گاز را احساس کردند، محدودیت‌هایی در مسیر جذب سرمایه‌های خارجی و در نهایت نوع خاصی از قراردادهای خرید خدمت در چارچوب بیع متقابل مورد توجه قرار گرفت. براساس این نوع قراردادها ضمن بهره‌گیری از خدمات شرکت‌های عمده نفتی، حاکمیت و مالکیت منابع و تأسیسات نفتی متعلق به ایران باقی می‌ماند. اجرای قراردادهای بیع متقابل عملاً از برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) مورد توجه قرار گرفت و به دولت اجازه داده شد تا با امضای قراردادهای بیع متقابل از منابع خارجی برای توسعه صنعت نفت و گاز استفاده نماید. قراردادهای بیع متقابل در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) نیز مدنظر قرار گرفت، اما برای امضای این قراردادها در این برنامه سقف معینی در نظر گرفته نشد (حسن‌بیگی،۱۳۸۱).

روش بیع متقابل آخرین و تنها انتخاب فراروی جمهوری اسلامی برای تأمین عایدات ارزی به شمار می‌آید. ضعف دانش فنی کشورهای صادرکننده نفت و وابستگی مطلق در این زمینه به قدرت‌های صنعتی واستراتژیک دنیا موجب شده چانه‌زنی در استخراج و تولید نفت برای

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

صادرکنندگان نفت به ویژه جمهوری اسلامی ایران بسیار مشکل باشد. اعمال تحریم‌های آمریکا نیز مشکل را مضاعف کرده و این مانع در کنار ریسک بالای منطقه خاورمیانه باعث مقبولیت سیستم بیع متقابل گردیده است. اما باید توجه داشت که پیمانکاران خارجی از چنین معضلاتی آگاه هستند و به همین دلیل معمولاً شرایط دشواری برای ایران پیشنهاد می‌نمایند.

در مجموع و خارج از تمام بحث‌های صورت گرفته اگر به منابع درآمدی دولت ایران نگاه کنیم درمی‌یابیم که از حدود سال ۱۹۶۰ تا اکنون بالای۴۲ درصد درآمد دولت ایران از راه فروش نفت بدست آمده است؛ به عنوان مثال، جمع کل درآمدهای قطعی دولت ایران در سال ۱۳۷۹، ۱۲۴۲۸۴/۵ میلیارد ریال بود که درآمد حاصل از فروش نفت و گاز ۵۹۴۴۸/۵ میلیارد ریال بوده است یعنی چیزی حدود۴۷/۸ درصد از درآمدهای دولت مربوط به صادرات نفت و گاز بوده است (پیله‌فروش،۱۳۸۲). از سوی دیگر، این رانت یعنی بازده نفت خام به ابزار داخلی تولید و نیروی کار و تلاش بستگی ندارد و در دریافت و خرج کردن آن نیز دولت تمام مسئولیت را بر عهده دارد که این موضوع نشان می‌دهد که تمام شرایط چهارگانه فوق در ایران نمایان است.

## ۱۱. راه‌های برون رفت از اقتصاد رانتی در ایران

اکنون که ابعاد متفاوت یک دولت رانیتر یا تحصیل‌دار را در ایران شناخته‌ایم لازم است تا راهکارهای برون رفت از این اقتصاد رانتی را بشناسیم و آن را به بدنه اجرایی دولت پیشنهاد دهیم.

### ۱۱-۱. تفکیک مقوله نفت به عنوان سرمایه از نفت

کمیت زمینی که انسان در آن زندگی می‌کند افزایش نمی‌یابد و ثروت‌های طبیعی گوناگونی که در خاک نهفته است بیشتر نمی‌شود، اما نیازهای مردم با پیشرفت تمدن هر لحظه در گسترش است و همین موضوع طبیعت را سرانجام از پاسخ گفتن به نیازهای همه مردم درمانده خواهد کرد. آنچنان که می‌توان از این آیه شریفه در سوره زلزله « و اخرجتَ الارضَ اَثقالها» همین معنا را استنباط کرد که محتویات زمین روزی تمام می‌شود و پایان می‌پذیرد (سوره زلزله،آیه ۲).

از سویی باید عنوان کرد که خداوند متعال آنچه مایه نیاز و به صلاح انسان بوده است در پهنه هستی گرد آورده است اما انسان در نتیجه کفران نعمت و ستمکاری این فرصت الهی را از دست می‌دهد « إنَّ الإنسنَ لَظلُومٌ کُفَّار» (سوره ابراهیم،آیه ۳۳). پس براساس تعالیم دینی، استفاده نادرست و افراطی از نعمت‌های الهی مورد نکوهش قرار می‌گیرد، حال آنکه نفت به عنوان یک موهبت الهی و یک سرمایه ارزشمند از دیدگاه کارشناسان روزی دیگر آنچنان که اکنون در دسترس ما قرار دارد

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

نمی‌توان آن را پیدا کرد. بنابراین در اولین قدم باید راهی غیر از عایدات نفتی را برای تأمین بودجه جستجو کرد که در حال حاضر یکی از این روش‌ها، تفکیک مقوله نفت به عنوان سرمایه از مقوله نفت می‌باشد ( نصری، ۱۳۸۰).

در چهار دهه اخیر کشور ما از محل فروش دارایی‌هایی مانند نفت و گاز حدود ۵۵۰ میلیارد دلار درآمد کسب کرده که در حد خود سرمایه بسیار عظیمی محسوب می‌شود. اما ورود این میزان سرمایه به کشور توسعه واقعی به همراه نیاورده است زیرا پول‌های نفتی به جای ثروت و سرمایه صرف هزینه‌ای جاری شده است. در صورتی‌که اگر برنامه‌ریزی مناسبی برای سرمایه‌گذاری گسترده این پول‌ها در بخش‌های مولد صورت گرفته بود، امروز وضع به گونه‌ای دیگر بود (میرترابی،۱۳۸۴).

اقدامات مثبت محدودی طی سال‌های اخیر برای تفکیک درآمد از ثروت صورت گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان به ایجاد صندوق ذخیره ارزی اشاره کرد که یکی از اهداف آن بهره‌گیری از محل فروش دارایی‌ها برای کمک به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در کشور است.

نکته‌ای که در این قسمت قابل تأمل است این است که استقلال صندوق ذخیره ارزی از یورش دولت‌ها جهت تأمین کسری بودجه بسیار ضروری می‌باشد زیرا که این صندوق تأسیس شد تا درآمدهای نفتی مازاد بر نیاز به آن وارد شود تا اهرمی باشد برای جلوگیری از آسیب‌پذیری کشور به هنگام نوسان‌های قیمت نفت و از سویی نیز نیمی از ذخایر موجود به بخش خصوصی واگذار شود تا در اجرای طرح‌های تولیدی و عمرانی مورد استفاده قرار گیرند (بی‌نا،۱۳۸۵).

از سوی دیگر، خارج از تمام تحقیقات کارشناسانه باید گفت که از لحاظ عقل و منطق حاکم بر روابط بازرگانی نیز نباید یک فرد تنها متکی به بهره‌گیری از یک منبع درآمد باشد، آن هم درآمدی از نوع موهبت زمینی آن مانند نفت که خود تحت تأثیر عوامل بین‌المللی و جهانی نیز می‌باشد.

### ۱۱-۲. کوچک کردن دولت

نفت به واسطه شعاع فراگیر خود کل اقتصاد جامعه را شامل می‌شود. به این دلیل تجویز برای رهایی از وابستگی به آن مانند تجویز برای بهبود اقتصادی و توسعه همه جانبه است، از این‌رو راه رهایی از این مشکل عمده این است که دولت کوچک شود و از دخالت در اموری که مربوط به دولت نیست پرهیز کند. وظیفه اصلی و اولیه هر دولتی تأمین امنیت و ارائه کالاها و خدمات عمومی است. با کاهش دخالت دولت و واگذاری امور به مردم، رونق اقتصادی آشکارشده و پرداخت مالیات تسهیل

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

می‌شود (نصری، ۱۳۸۰). پدیده رانت‌جویی اصولاً با مداخلات دولت در اقتصاد مقارن است. دخالت بیش از حد دولت در فعالیت‌های اقتصادی در بازار رقابت ایجاد اختلال نموده و زمینه را برای گسترش فعالیت‌های فرصت طلبانه فراهم می‌سازد. البته در مسائلی که به نوعی با مصلحت عمومی مرتبط است مداخله دولت در اقتصاد ضروری است که در این قبیل موارد دولت با انجام سه نوع اقدامات تولیدی، تنظیمی و رفاهی قدم پیش می‌گذارد.

الف) اقدامات تولیدی استراتژیک: در اینگونه فعالیت‌ها بیشتر کالاها و خدمات زیربنایی و صنایع پایه و مهم همچون ساخت جاده، اسکله، سد، صنایع سنگین یا مادر و صنایع مرتبط با امنیت و دفاع ملی از جمله در زمینه تسلیحات به دلیل اهمیت آنها توسط دولت پیگیری می‌شود و نباید در این‌گونه مسائل از نقش دولت کاسته شود.

ب) اقدامات تنظیمی: این‌گونه فعالیت‌ها اغلب به صورت خدمات و شامل برقراری یک نظام پولی پایدار، یکسانی اوزان، از بین بردن موانع داخلی و خارجی تولید و تجارت، ایجاد هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی و استقرار نظام قضایی حامی قوانین و قراردادها می‌باشد. در واقع، هدف از این اقدامات فراهم‌سازی بستر اجتماعی لازم برای فعالیت بازار است؛ در واقع دخالت دولت در برطرف کردن عدم توازن و نارسایی‌ها در بازار و همچنین دخالت در تعیین کالاهای مورد نیاز جامعه و تنظیم قیمت‌ها بسیار ضروری است.

ج) اقدامات رفاهی: این اقدامات که شامل ارائه خدمات درمانی و بهداشتی، بیمه‌های شغلی و تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی و ... می‌شوند با افزایش سطح زندگی و توقعات جامعه انتظار ارائه این طریق خدمات از سوی دولت افزایش می‌یابد. در واقع، حمایت‌های قانونی از مردم و صاحبان صنایع و بخش خصوصی صرفاً و به‌طور جامع از سوی دولت محقق می‌شود (بی‌نا، ۱۳۸۲).

اما با توجه به ضرورت حذف رانت‌خواری در اقتصاد ایران، بر اساس ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه مقرر شد که دولت تصدی‌گری خود را کاهش دهد و به تدریج انحصارات دولتی را حذف نماید.

در نتیجه تا زمانی‌که دولت ساختاری حجیم و پرهزینه دارد، همچنان از درآمدهای نفتی برای تأمین مخارج خود استفاده خواهد کرد بنابراین با کوچک شدن دولت، بخش بزرگی از درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری‌های مولد آزاد خواهد شد. یکی از راهکارهای عمده کوچک‌کردن دولت، خصوصی‌سازی است. خصوصی‌سازی در قالب سه برنامه ۵ ساله توسعه پس از انقلاب مورد

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

توجه بوده اما روند خصوصی‌سازی بسیار کند و ناکارامد بوده است. به همین دلیل است که دولت به جای کوچک شدن در عمل بزرگتر شده است (مجله اقتصاد ایران،۱۳۸۲).

آنچه در ادامه این روند باید به آن اشاره شود موانعی است که اکنون در روند خصوصی‌سازی در کشور ما حاکم است بر این اساس جابجایی قدرت از کارآفرینان و مدیران به وابستگاه سیاسی را می‌توان از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت سیاست‌های تقویت بخش خصوصی‌سازی در برنامه‌های دوم و سوم در زمینه‌های اقتصادی و عمرانی ارزیابی کرد (ازغندی،۱۳۸۴).

عده‌ای تلقی‌شان از دولت صرفاً تأمین اجتماعی است به این مفهوم که وزارت‌خانه‌های ما در چارچوب منطق آزادسازی اقتصاد می‌بایست اقتصادی اداره شوند و در جهت ایفای حقوق اقشار آسیب‌پذیر یک وزارت بزرگ تأمین اجتماعی ایجاد شود و تمام کمک‌های دولتی به مردم از طریق آن صورت بگیرد؛ این موضوع در شرایطی است که در واقع خصوصی‌سازی به مفهوم جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی است و پیوسته به این مسئله باید گفت که شرط ضروری برای ایجاد یک بخش خصوصی نیرومند وجود امنیت برای سرمایه است البته در کنار آن باید بتوانیم احساس مسئولیت بخش خصوصی را در بخش دولتی تمهید کنیم (ادیب، ۱۳۸۰).

از دیگر نکات کلیدی در بحث خصوصی‌سازی علاوه بر امنیت و احساس مسئولیت ، اهتمام به ایجاد یک رقابت سالم و صحیح در صنایع و در بازار عرضه و تقاضا می‌باشد زیرا رشد و ارتقاء کیفی در گروی رقابت است پس دولت می‌بایست تا مدتی از صنعت حمایت کند و بعد با ایجاد رقابت به او یاد بدهد که هزینه‌های خود را کاهش دهد زیرا ممانعت از این امر انحصار و رانت ایجاد می‌کند و در کنار آن مردم محکوم به استفاده از کالاهای بی‌کیفیت هستند. در این رابطه حتی از تعرفه‌ها هم باید به عنوان یک ابزار حمایت استفاده کنیم و نه یک ابزار درآمدی (وهاجی، ۱۳۸۰).

اگر ملتی حق دارد تا نمایندگان و رئیس‌جمهور خود را انتخاب نمایند پس حق دارند کارخانه نیز داشته باشند بنابراین بسیار واضح است که اصولاً می‌توان از یک نوع خصوصی‌سازی نام برد که درآن مردم نقش اساسی را ایفا می‌کنند یعنی دولت و دولتمردان در آن بی‌تأثیرند و به عبارت دیگر در آن اختصاصی‌سازی صورت نگرفته است. لازمه این کار اعتقاد به اصل عدم مداخله دولت به صورت مستقیم در امور اقتصادی می‌باشد، باید دولت را از یک سرمایه‌دار به یک دولت ناظر تبدیل نماییم که تنها خط‌مشی کلی را با توجه به مصالح جامعه مشخص نماید اما خود تولیدکننده نباشد. در واقع، اصل مداخله دولت در امور اقتصادی که به موجب آن دولت تولید را راهنمایی می‌کند به مثابه وسیله‌ای است که دولت اسلامی همواره برای تضمین اجرای قوانین عمومی توزیع و جلوگیری

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

از کجروی‌ها و تخلف از عدالت اجتماعی بر عهده می‌گیرد (رزمی،۱۳۷۲). بنابراین لازم است تا به دلیل کاهش دخالت دولت هر ساله مقداری از وابستگی دولت به نفت کم شود و به همان میزان در جهت خصوصی‌سازی گام برداشته شود.

### ۱۱-۳. نهادینه‌سازی مالیات

افراد بسیاری تکیه بر درآمدهای مالیاتی را به جای درآمدهای نفتی تجویز می‌نمایند اما در شرایط فعلی و در کوتاه‌مدت وضع مالیات و افزایش آن رکود فعلی را تشدید می‌نماید. بعلاوه افزایش مالیات انگیزه افزایش تولید را در بلندمدت از بین می‌برد از این‌رو صرف مالیات‌ستانی جبران‌کننده عوارض نفت نیست بلکه نهادینه‌سازی مالیات‌پردازی برای جبران بخشی از عایدات دولت امری حساب شده، تدریجی و بلندمدت است و [یک شبه نمی‌توان با افزایش سرسام‌آور مالیات از تبعات اقتصاد نفتی رها شد] ابتدا باید نظام وصول‌کننده مالیات را اصلاح نمود و ضرورت توسعه اجتماعی را اجابت کرد (نصری، ۱۳۸۰).

پیرامون بحث مالیات باید گفت که پیش از هر مسئله‌ای باید نوعی مشروعیت فرهنگی مالیات یا نهادی‌شدن فرهنگ مالیات تعریف و طراحی شود. به عنوان مثال در فرانسه فرهنگ مالیاتی نهادی شده‌است به این معنا که در بدنه افکار عمومی تقسیم‌بندی جدیدی به صورت نهادی درآمده است و به این صورت تعریف می‌شود که هر فردی یک سری مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی دارد که باید انجام دهد به همین دلیل نهادهایی ایجاد می‌شود که به وکالت از سوی فرد این مسئولیت را انجام می‌دهد و تنها فرد باید هزینه آن را با پرداخت مالیات و عوارض تأمین نماید (ادیب، ۱۳۸۰).

این موضوع به طور دقیق همان مشکلی است که جامعه ایران با آن مواجه می‌باشد یعنی مردم ایران پرداخت مالیات را نه یک وظیفه ملی می‌دانند و نه یک فریضه مذهبی به این معنا که در ایران هزینه این خدمات نه از محل مالیات بلکه از محل درآمدهای نفتی تأمین شده است.

بنابراین، دولتی که برای ارائه خدمات به جامعه به مالیات‌دهندگان (افکارعمومی) وابسته نباشد، حیاتی خودسر می‌یابد و جامعه‌ای که مدام سطح مطالبات اقتصادی خود را از دولت ارتقاء دهد و دولت هم بواسطه نفت به آنها پاسخ مساعد می‌دهد خود انقلابی را در سطح توقع مردم ایجاد می‌کند. مردم به مرور دولت را کلید هر مشکلی تلقی می‌کنند در چنین شرایطی است که درآمدهای نفتی مهم‌ترین عامل عدم شکل‌گیری فرهنگ مالیاتی در ایران تلقی می‌شود و عدم شکل‌گیری این فرهنگ تصور مردم از دولت را به سوی دولت عامل و نه دولت ناظر جهت می‌دهد (ادیب، ۱۳۸۰).

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

در نگاه ویژه به وضعیت مالیاتی کشور می‌توان گفت که مشکل درآمدهای مالیاتی کشور این است که کل نظام مالیاتی ما مانند یک تور ماهیگیری است که دهنه آن بسیار تنگ است و ماهیان بزرگ وارد آن نمی‌شوند، چشمه‌ها نیز بسیار تنگ است و ماهیان کوچکی که باید از آن خارج شوند و رشد کنند قادر به این کار نیستند. با این تور به دریای مالیاتی می‌رویم و هزاران ماهی می‌گیریم. وزن ماهی‌های به تور افتاده بسیار کم است و کیفیت بازدهی آنها نیز اندک می‌باشد.

در نظام مالیاتی ایران بیش از ۵ تا ۶ میلیون پرونده مالیاتی وجود دارد. در شرایطی که در کشور ما کل خانوارها حدود ۱۵ میلیون است و بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد این خانوارها زیر حداقل معیشت زندگی می‌کنند، قطعاً وجود ۵ تا ۶ میلیون پرونده مالیاتی از اشکالاتی حکایت می‌کند (عظیمی آرانی، ۱۳۷۱).

این موضوع همان توری است که با چشمه‌های ریز، ماهیان کوچک را در خود نگه می‌دارد. در نظام مالیاتی به برخوردی متفاوت احتیاج است و تنها کوشش‌کردن کفایت نمی‌کند و راه عملی این است که با استفاده از اطلاعات غیرمحرمانه و ثبتی موجود حدود ۲۰۰ تا۵۰۰ هزار پرونده جدا شود تا بتوان نیروی دستگاه وصول مالیات را بر این تعداد متمرکز کرد. اگر دقت کنیم در شرایط فعلی مالیات‌های وصول شده ما عمدتاً مالیات‌های سهل‌الوصول است یعنی یا در گمرک وصول می‌شود یا از مالیات‌های غیرمستقیم و یا مالیات‌های حقوق. پس تمام توان وزارت دارایی بر دریافت درصد محدودی از مالیات که عمدتاً مالیات مشاغل و مالیات بر شرکت‌ها را در بر می‌گیرد، متمرکز می‌شود (عظیمی آرانی، ۱۳۷۱).

بدیهی است لازمه داشتن یک نظام مالیاتی جامع این است که ابتدا بررسی تمام واحدهای شغلی پرونده‌های مالیاتی تشکیل شود و یک نوع درجه‌بندی شغلی براساس درآمدها و موقعیت جغرافیایی و اصناف مختلف بوجود آید زیرا، به عنوان مثال باید بین مشاغلی همچون نانوایی با نمایشگاه‌های اتومبیل و طلا فروش‌ها تفاوتی وجود داشته باشد.

اکنون که به‌قدر کافی پیرامون نهادینه‌سازی مالیات صحبت شد باید گفت که به اعتقاد کارشناسان ۵۰ درصد اقتصاد، اقتصاد پنهان است که بدون پرداخت مالیات در جریان معاملات زیرزمینی هنگفت تکثیر می‌شوند (جامساز،۱۳۸۲). پس لازم است تا سیاست‌هایی تدوین شوند که دلالی و سوداگری را کاهش داده و در برابر گروه‌های رانتی که منجر به بحران‌هایی اجتماعی می‌شوند ایستادگی نماید. بنابراین لازم است تا ضمن ایجاد یک نوع مشروعیت فرهنگی مالیاتی، نظام مالیاتی ایران ساماندهی شود و از سویی با پدیده اقتصاد پنهان و دلالی و سوداگری مبارزه

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

اساسی صورت گیرد تا از طریق ضمن افزایش درآمدهای دولت، کار ویژه پاسخگویی در برابر مردم – به دلیل پرداخت مالیات- اثر خود را نمایان سازد.

### ۱۱-۴. گسترش صادرات غیر نفتی

ایران صنایعی دارد که متکی بر رانت و رابطه هستند. بدون رانت و رابطه بسیاری از صنایع ایران ورشکست می‌شوند (ادیب، ۱۳۸۰). استراتژی توسعه صادرات در واقع به منزله حذف رانت و رابطه از اقتصاد ایران است زیرا در توسعه صادرات است که هر کالا باید در بازارهای جهانی بتواند رقابت کند و با قیمت مناسب نیز عرضه شود.

با وجود پیش‌بینی‌های سه برنامه توسعه،صادرات غیرنفتی در کشور در سال‌های اخیر محدود بوده و رشد اندکی را تجربه کرده است. تمام این مسائل در شرایطی رقم خورده است که کشور ما نیاز بسیار شدیدی به رهایی از اقتصاد تک محصولی و اقتصاد رانتی دارد. آنچه به عنوان یک ایده یا نیاز لازم است به آن بپردازیم این است که برحسب شرایط موجود باید نوعی جهش بزرگ را در صادرات غیر نفتی مورد توجه قرار دهیم. موضوعی که دقیقاً همسایه ایران یعنی ترکیه ظرف یک دوره ۴ ساله موفق شده است صادرات خود را از ۲۲۶۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۵۷۴۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ افزایش دهد.

در جهان امروز نفوذ به بازارهای صادراتی اعم از بازارهای کشورهای صنعتی و بازارهای کشورهای در حال توسعه کاری بسیار مشکل است. با گذشت زمان ذوق و سلیقه مصرف‌کننده در حال تغییر است بنابراین ضروری است ویژگی‌های کالاهای صادراتی با نیازهای بازار مصرف مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، باید در جهت طراحی برای صادرات حرکت کنیم نه اینکه هر کالایی را تولید کنیم و منتظر بازار جهانی باشیم. در چنین شرایطی ایجاد مراکز طراحی برای صادرات محسوس است. در واقع این مراکز باید نمونه کالاهای رقیب را جمع‌آوری کنند تا براساس آن کالایی را تولید کنیم که کیفیت برتری را داشته باشد.

اکنون که پیرامون جهش به سمت صادرات غیرنفتی سخن گفتیم لازم است در خصوص نوعی تفکر موزه‌ای که حاکم بر صنایع ایران است مطالبی ارائه نماییم. بر اساس آمار بانک جهانی در دنیا ۱۳۵ نوع صنعت وجود دارد و ایران در ۱۰۸ مورد آن سرمایه‌گذاری کرده است (ادیب،۱۳۸۰). در هیچ کشوری تنوع رشته‌های سرمایه‌گذاری به اندازه ایران وجود ندارد. معمولاً هر کشوری در تولید یک یا چند نوع کالا تخصص پیدا می‌کند؛ در واقع هر کشور در چند رشته صنعتی مزیت نسبی دارد، بنابراین محور امور تولیدی خود را در آن رشته‌ها متمرکز می‌کند، البته علت اصلی اینکه ایران

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

در اغلب رشته‌ها وارد فعالیت شده است، پرداخت یارانه می‌باشد. در شرایطی که دولت یارانه را قطع کند کارخانجات دیگر توجیه اقتصادی نخواهند داشت. ایران در رشته‌هایی که مزیت نسبی دارند اگر استراتژی توسعه صنعتی به خوبی سامان‌دهی شود و اقتصاد کشور به سمت آن هدایت شود می‌تواند تمام مشکلات ناشی از بخش‌های ناکارامد را جبران کند. به عنوان مثال، ایران اگر به سمت خط تبدیل نفت به پارچه روی آورد می‌تواند درآمد هنگفتی را حاصل نماید. پس در سطحی کلان می‌توان گفت که هر بخشی که نفت خام را به محصول نهایی تبدیل کند ایران در آن بخش مزیت نسبی دارد و اگر ایران به جای صادرات نفت خام آن را به محصول نهایی تبدیل کند می‌تواند ارزش افزوده بسیار بالایی را در سال تولید کند (ادیب، ۱۳۸۰).

### ۱۱-۵. جلوگیری از گنجینه‌کردن نقدینه

کشور ما کشوری است که بر اساس ایدئولوژی اسلامی حرکت می‌کند. بسیاری از راهکارهای اقتصادی در کشور ما همان راهکارهای اسلامی می‌باشند که برگرفته از کتب، احادیث و روایات مختلف است. برای جلوگیری از گنجینه‌کردن پول و ثروت نیز اسلام توصیه‌هایی را ارائه داده است. اسلام با ذخیره کردن پول و رکود آن مخالفت نموده و طلا و نقره ذخیره شده را مشمول زکات و مالیات سالانه قرار داده است که می‌توان این مالیات را نوعی مصادره تدریجی سرمایه‌های خوابیده تلقی کرد. با اجرای این سیاست مالیاتی تمام سرمایه‌هایی که بیرون از گود در کنجی آرمیده و از شرکت در کشاورزی و امور صنعتی خود را کنار کشیده‌اند خواه‌ناخواه توسط دولت جذب می‌شوند و در واقع مردم را تشویق به مصرف پول در زمینه‌های تولیدی می‌نمایند. در حدیثی از امام صادق آمده است که خداوند به شما در مال زیادتی عطا کرده است تا آنرا خرج نه ذخیره کنید (صدر، ۱۳۶۰).

بنابراین انتقال سرمایه صاحبان پول به بخش‌های بازرگانی یا صنعتی یکی از ضروریات فعلی ایران می‌باشد. در نظامی که خواهان بهره‌کشی از پول است، صاحبان پول همواره تلاش می‌کنند تا فرصت مناسبی بیابند و از نیاز بازرگانان به پول در کار تجارت یا صنعت استفاده کنند و نرخ بهره را به میل خود بالا ببرند. بنابراین، در صورت لغو بهره از برخورد منافع میان طبقه رباخوار و مولد پیشگیری بعمل می‌آید و در ادامه، صاحبان سرمایه برای حفظ منافع خود وادار می‌شوند در عملیات بازرگانی و صنعتی شرکت نمایند (صدر، ۱۳۶۰). در کنار این موضوع با حذف واسطه‌ها و درآمدهای به دست آمده بدون انجام کار سطح تولید افزایش می‌یابد زیرا میانجی‌ها معمولاً نقش سازنده و مولدی ندارند و انگل‌گونه عمل و خود را به دستگاه تولید تحمیل می‌کنند.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

### ۱۱-۶. جریان آزاد اطلاعات

در کشور ما هنوز دسترسی به اطلاعات یک معضل جدی است. بسیاری از وزارتخانه‌های دولتی در ایران از ارائه بسیاری از اطلاعات روزانه و عادی و سیرطبیعی امور تحت عنوان محرمانه بودن امتناع می‌کنند. دسترسی آزاد به اطلاعات شرط تحقق یک اقتصاد بازار و تولیدی است و با امکان دسترسی همگان به اطلاعات است که قانون عرضه و تقاضا مفهوم پیدا می‌کند (ادیب، ۱۳۸۰).

با نگاهی ویژه به رابطه جریان آزاد اطلاعات و صنعت و بخش خصوصی درمی‌یابیم که انحصار برخی از اطلاعات اقتصادی به نهاد دولت و دریغ آن از بخش خصوصی در مواردی باعث ورشکستگی بخش خصوصی می‌گردد. لذا جریان آزاد اطلاعات اقتصادی یکی از شروط اساسی اتکاء به صنعتی‌شدن و اقتصاد بازار است. دستیابی زود هنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، طرح‌های عمرانی خود منشاء یک نوع رانت بنام رانت اطلاعاتی است به این ترتیب که بسیاری از افراد صاحب نفوذ و نزدیک به مراجع تصمیم‌گیری با به دست آوردن یکسری اطلاعات زودرس از این موضوع برای منافع شخصی استفاده می‌کنند و بیشتر به ثروت‌های هنگفت دست می‌یابند. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری یک رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه است (ادیب، ۱۳۸۰). در نتیجه، ایجاد شفافیت در ارائه اطلاعات خود باعث جلب مشارکت مردم و حاکمیت اقتصاد بازار می‌شود و به دنبال آن حتی آزادی سیاسی و حقوقی فردی هم تحقق می‌یابد (مؤمنی، ۱۳۸۴). دولت نیز باید با انتشار گزارشاتی در خصوص بودجه‌های تلفیقی، جمع‌آوری درآمدها، مجموعه قوانین و مقررات و اقدامات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی، به مردم اطلاع‌رسانی نماید.

### ۱۱-۷. ظرفیت‌های بدون استفاده و اصلاح الگوی مصرف

یکی از اختصاصات جامعه ما در حال حاضر، عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌ها می‌باشد. ظرفیت‌های استفاده نشده در اقتصاد ایران بسیار زیاد است. این موضوع در عین حال که برای وضعیت فعلی زیانبار است برای آینده می‌تواند مثبت باشد و امکانات توسعه‌ای فراوانی را در اختیار ما قرار دهد. اگر بخش کشاورزی را در نظر بگیریم علیرغم اینکه ایران کشور کم‌آب و کم‌بارانی است اما در حال حاضر حداکثر بیش از $\frac{۱}{۳}$ ظرفیت منابع آب کشور مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (عظیمی‌آرانی، ۱۳۷۱).

به عبارت دیگر، از بارندگی کم کشور که دارای توزیع نامناسب زمانی و مکانی نیز هست تنها درحد $\frac{۱}{۳}$ استفاده می‌شود. این وضعیت در سایر بخش‌های اقتصادی نیز وجود دارد. از سوی دیگر،

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

کشور ما از لحاظ نیروی انسانی جوان در سطح خوبی قرار دارد اما با توجه به اینکه در روند توسعه اقتصادی به رده‌های متعددی از تخصص نیاز است و در جوامع پیشرفته پیرامون همین موضوع قالب‌هایی برای تربیت نیروی انسانی تخصصی طرح کرده‌اند (عظیمی‌آرانی،۱۳۷۱). در ایران اگر کسی از درس و دانشگاه دور شود بدون راهنمایی در جامعه رها می‌شود تا یا به سمت فساد یا به سمت مشاغل کاذب حرکت کند و اگر به هیچ یک از این دو نزدیک نشود، بدون توجه به نیاز جامعه در یک رشته خاص حرکت می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای بهره‌برداری بهتر از نیروی انسانی نوعی آمایش شغلی، سرزمینی، تخصصی و برحسب تخصص‌های مورد نیاز جامعه طراحی شود.

در کنار استفاده از ظرفیت‌های بدون استفاده ایران می‌بایست طرحی نو برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه در جامعه ایران ریخته شود. افزایش بی‌رویه مصرف که نمود عینی آن در مصرف بیش از اندازه انرژی در ایران مشاهده می‌شود و بر اساس آمار، مصرف نهایی انرژی در کشور طی ۳۰ سال گذشته ۱۰/۵ برابر شده و رشد سالانه آن معادل ۸/۴ درصد بوده است. در حالی که در همین دوره رشد تولید ناخالص داخلی کشور با احتساب نفت تنها در حد ۳/۴ درصد بوده است. این موضوع به معنای پیش گرفتن رشد مصرف انرژی در کشور بر رشد اقتصادی است که معنای دیگر آن افزایش شدت انرژی در ایران و کاهش بهره‌دهی در مصرف آن است (مجله نفت،گاز، پتروشیمی).

به این مصرف بی‌رویه انرژی در کشور مسئله بنزین، برق،گاز، آب و ... را اضافه کنیم تا وخامت کار بیشتر مشخص شود. آمار و ارقام مصرف بنزین در کشور نشان می‌دهد که چگونه در ساختار رانتیریسم، ارائه یارانه‌های غیرمنطقی به فرآورده‌های مصرفی همچون سوخت سبب تغییرات فاحش در الگوی مصرف این مواد و مصرف فزاینده آنها شده است.

مشکل پرداخت یارانه‌های گسترده برای فرآورده‌های سوختی این است که قیمت این فرآورده‌ها را به صورتی غیرواقعی و غیرمنطقی پایین نگه می‌دارد. انحراف شدید قیمت فرآورده‌های نفتی، علامت‌های اشتباهی را به بخش‌های مختلف اقتصادی در زمینه مصرف ارسال می‌کند. نتیجه چنین روندی پیدایش الگوی غلط مصرف در بخش‌های مختلف اعم از خانگی، تجاری، تولیدی و حمل‌ونقل در کشور می‌باشد. در نتیجه باعث می‌شود اقدامی ضروری برای بهینه‌کردن مصرف سوخت در ساختمان‌ها به عمل نیاید و شرکت‌های خودروسازی توجه چندانی به کاهش مصرف سوخت خودروها مبذول نکنند.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

### ۱۱-۸. حذف یارانه‌ها

یارانه که آن را مالیات منفی نیز می‌گویند، عبارت است از کمک مالی دولت برای پرداخت تفاوت هزینه‌های تولید و قیمتی که مصرف‌کننده می‌پردازد در حالی‌که هزینه تولید از هزینه فروش کالا به مصرف‌کننده بالاتر باشد (بی‌نا،۱۳۸۲). امروزه هدف از پرداخت یارانه‌ها در اصل برقراری عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و توزیع عادلانه درآمدها می‌باشد.

اما در مجموع براساس اهداف دولت از پرداخت یارانه می‌توان یارانه‌ها را به اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مصرفی، خدماتی، صادراتی و توزیعی تقسیم‌بندی کرد. اما خارج از بحث انواع و اهداف یارانه‌های پرداختی و مستقیم و غیرمستقیم بودن آنها باید گفت که در کشور ما پرداخت یارانه گرچه سابقه‌ای طولانی دارد و حتی به تخفیف‌های مالیاتی دوران صفویه و قاجار نیز باز می‌گردد اما اولین نظام سهمیه‌بندی همراه با پرداخت یارانه در ایران از زمان جنگ جهانی دوم برقرار شد که مهم‌ترین کالاهای آن را نان تشکیل می‌داد و سپس در سال‌های بعد برای گوشت و گندم و سایر کالاها چنین شرایطی پدید آمد (بی‌نا،۱۳۸۲).

روند پرداخت یارانه‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل فشارهای گسترده بر دولت و جنگ تحمیلی باز هم ادامه پیدا کرد به نوعی که بسیاری از کالاهای اساسی به منظور دستیابی اقشار مختلف جامعه به آنها مشمول نظام یارانه‌ها گردید تا در نهایت در برنامه سوم توسعه، هدفمند ساختن یارانه‌ها به نفع گروه‌های کم درآمد و کاهش سهم یارانه و قطع تدریجی آن برای خانوارهای پردرآمد را مورد توجه قرار داد (بی‌نا،۱۳۸۲).

در ادامه تخصیص یارانه‌ها، شاهد تخصیص غیربهینه منابع از طریق یارانه‌های پرداختی بودیم. به این ترتیب که پرداخت انواع مختلف یارانه به صورت آشکار و پنهان در بخش‌های مختلف اقتصادی به سمت تولید کالاها و خدماتی را شاهد بودیم که در تولید آنها از کالاها و مواد مشمول یارانه‌ای استفاده شده است. به همین جهت توجه به کیفیت، مزیت نسبی کشور در تولید یک کالا و ایجاد شرایط رقابت در بازار جهانی مورد توجه واقع نشده است. در نتیجه، قیمت واقعی کالاهای تولید شده به صورت یک قیمت کاذب ارزان‌تر از قیمت تولیدی برای جامعه ارائه می‌شود. در نتیجه پرداخت یارانه‌های آشکار و پنهان موجب عدم تخصیص بهینه منابع، چند نرخی‌شدن قیمت کالاهای یارانه‌های و بروز پدیده نامطلوب رانت‌خواری و توسعه مشاغل کاذب از جمله واسطه‌گری و کوپن فروشی گردیده است، فعالان اقتصادی را از شرایط مساوی و متعادل محروم ساخته، مصرف‌گرایی و مصرف غیرعقلایی را گسترش داده است و مجالی نیز برای رشد روحیه ابتکار و

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

نوآوری و توسعه صنعتی باقی نگذاشته است. پس لازم است تا نظام پرداخت یارانه‌ها حداقل در هرسال به نسبت سال قبل کاهش یابد و در یک پروسه ۴ تا ۵ ساله تمام یارانه‌ها حذف و حاکمیت اقتصاد بازار و نظام عرضه و تقاضا بوجود آید.

### ۱۱-۹. جلوگیری از آزادسازی یک باره و سریع اقتصاد

راهکار دیگری که پیرامون خروج از اقتصاد رانتی می‌تواند مورد توجه باشد، اصلاح نگرش فکری به ویژه در حوزه سیاست توزیع اقتصادی است، لذا لازم است یک نوزایی فکری در حوزه‌های مختلف اقتصادی و ایجاد تناسب بین افکار جدید با شرایط رشد اقتصادی بوجود آید و از سویی نیز نوعی توازن بین بخش‌های مختلف اقتصادی حاکم شود. این مسئله صرفاً با افزایش نقش نظارتی دولت و رقابتی‌کردن اقتصاد صورت می‌گیرد. از سویی باید از آزادسازی یک باره و سریع اقتصاد جلوگیری شود، زیرا روس‌ها یکباره اقتصاد را آزاد کردند و با فروپاشی مواجه شدند زیرا در کشوری که ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی آن در دست دولت است و ۱۰ درصد بقیه هم تابع متغیر تصمیمات دولتی است باید از حجم فعالیت‌های دولت کاسته شود البته نه با سرعت نور (قاضی‌مهابادی،۱۳۷۹).

بنابراین نیاز است تا دولت و مجلس و هم کارشناسان دست به دست هم دهند و برنامه تدریجی زمانبندی شده‌ای را تدوین نمایند تا هم آثار آزادسازی یکباره اقتصاد را تحمل نکنیم و هم با حرکتی آرام اما منطقی و کارشناسی شده قدم در راه توسعه برداریم. در راه این مسئله حذف زمینه‌هایی که به واسطه آنها تخصیص کالاها و امکانات از طریق تصمیمات اداری و فردی انجام می‌شود لازم می‌نمایاند و در واقع باید تخصیص منابع جامعه خارج از حدود و اختیارات اشخاص باشد و به مکانیزم‌ها واگذار گردد.

### ۱۱-۱۰. جلوگیری از تمایل به سمت اقتصاد چرخشی رانتی

اقتصاد باید در یک چرخه طبیعی به صورت تدریجی مسیر خودش را طی کند، زیرا دولت‌های رانتیر به حرکت‌های طبیعی اعتقادی ندارند و در پی آن هستند تا به سرعت تحولات را شکل دهند و از همین نقطه است که دخالت دولت آغاز می‌شود. بنابراین باید اجازه داد تا اقتصاد به سمت حرکت طبیعی تولیدی خود پیش برود و از هرگونه تمایل به اقتصاد چرخشی رانتی که در آن هربار عده‌ای از رانت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بهره‌مند می‌شوند جلوگیری شود. در کنار این مسئله باید از شتاب و سرعت در تصمیم‌گیری‌های دولتی جلوگیری شود زیرا تصمیم سریع دولت رانتی اغلب نسنجیده می‌باشد زیرا تصمیم‌ها در کوتاهترین زمان اتخاذ می‌شود که با روند طبیعی اقتصاد همخوانی ندارد و گاهی باعث کشمکش و تضاد در جامعه می‌شود.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

## ۱۲. نتیجه‌گیری

این مقاله تلاش کرد تا نشان دهد که یک دولت رانتی متأثر از اقتصاد تک محصولی و متکی بر انحصار فروش نفت، مشکلاتی را در پی دارد که از آن جمله می‌توان به مسائلی از قبیل افزایش استقلال نه چندان مناسب دولت از جامعه، تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت، تبدیل شدن دولت به توزیع‌کننده رانت، دگرگونی در قشربندی اجتماعی، تضعیف ماهیت نمایندگی دولت، اختلال در برنامه‌های توسعه اقتصادی و تشدید روحیه مصرف‌گرایی و رانت‌جویی اشاره کرد.

در مجموع، براساس تعاریف ارائه شده از یک دولت رانتیر می‌توان عنوان داشت که اقتصاد ایران چه در دوران پهلوی و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در واقع تمام خصوصیات یک اقتصاد رانتی را دارا می‌باشد. به همین منظور در این مقاله آنچه به عنوان نتیجه کلام باید بیان شود راهکارهایی است که برای خروج از اقتصاد رانتی پیشنهاد می‌شود که از آن جمله عبارتند از توجه به موضوع نفت به عنوان سرمایه، کوچک‌کردن دولت، نهادینه‌سازی مالیات، گسترش صادرات غیرنفتی، جلوگیری از ذخیره‌کردن نقدینگی، جریان داشتن یک جریان آزاد اطلاعات، اصلاح الگوی مصرف، حذف یارانه‌ها، جلوگیری از اقتصاد چرخشی رانتی و در نهایت جلوگیری از آزادسازی یکباره و سریع اقتصاد؛ تمام اینها مواردی هستند که اگر مورد توجه دولتمردان قرار گیرد می‌تواند ایران اسلامی را به سمت توسعه پایدار سوق دهد.

## منابع


ادیب، محمدحسین (۱۳۸۰)، *بحران‌های اقتصادی در ایران و راهکارهای برون‌رفت از آن*،اصفهان: مؤلف، صص۱۱۴-۱۴.

ادیب، محمدحسین (۱۳۸۰)، *ایران و سازمان تجارت جهانی*، اصفهان: بی‌جا، صص ۳۰-۱۴.

ادیب، محمدحسین (۱۳۸۰)، *ایران و اقتصاد موج سوم*، اصفهان: مؤلف، ص ۳۱.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران*، تهران: قومس، صص۴۷-۴۴.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: قومس، چاپ ۳، صص ۱۱۰-۸۳.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، قسمت بر گرفته از سایت www.fariborzbaghai.org.

بشریه، حسین (۱۳۸۲)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو، چاپ ۴، ص ۸۷.

بی‌نا (۱۳۸۲)، *فساد مالی و اقتصادی و ریشه‌ها و پیامدها*، تهران: تدبیر اقتصاد، جلد ۲، صص ۲۸۶-۳۴.

بی‌نا (۱۳۸۵)، "راهی برای جلوگیری از دولت رانت‌طلب"، *نشریه سرمایه*.

بی‌نا، *فساد مالی و اقتصادی ریشه‌ها و پیامدها*، تهران: تدبیر اقتصاد، جلد ۳، صص۳۲۵-۲۸۶.

پوراحمدی، حسین و یحیی فوزی (۱۳۸۲)، *گفتمان اصلاحات در ایران*، تهران: دانش و اندیشه، صص۲۸۷-۲۸۶.

پیله‌فروش، میثم (۱۳۸۲)، "رانت و دولت رانتیر در ایران"، *نشریه مردم سالاری*، شماره ۱۸۶.


[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

توحیدفام، محمد (۱۳۸۲)، *دولت و دموکراسی*، تهران: روزنه، صص۱۶۹-۷۰.

جامساز، محمود (۱۳۸۲)، "اقتصاد رانتی مانع بزرگ اصلاحات"، *نشریه هدف و اقتصاد*.

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، *رانت، دولت رانتیر و رانتینیسم: یک بررسی مفهومی*، تهران: اطلاعات سیاسی-اقتصادی شماره‌های ۱۲۶-۱۲۵، صص ۱۹۵-۱۵۲.

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، *ظهور و تثبیت دولت رانتیر در ایران*، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴، صص۹۹-۷۱.

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، *دولت نفت و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ص۱۲۲.

حسن‌بیگی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، *نفت بای‌بک و منافع ملی*، تهران: آوای‌نور، صص ۲۵-۲۴.

خضری، محمد (۱۳۸۱)، "رانت و رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی"، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده مطالعات راهبری، شماره ۱/۸ – ۸۱، صص۱۴-۱۲.

ذوقی، ایرج (۱۳۷۴)، *مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران*، تهران: پاژنگ، چاپ ۴، صص۱۳-۱۲.

رئیس طوسی، رضا (۱۳۶۳)، *نفت و بحران انرژی*، تهران: کیهان، صص۱۵-۷.

رزمی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۲)، *نظام‌های اقتصادی*، مشهد: موحد، صص ۸۹-۷.

شامبیانی (۱۳۷۶)، *مخالفت با دولت تحصیلدار*، ترجمه عبدالقیوم شکاری، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، شماره ۲۸، ص۲۵۲.

شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۷)، *نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص۶۳-۵۵.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۰)*اقتصاد ما*، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: بنیاد علوم‌اسلامی،چاپ‌اول، صص۴۸۲-۴۸۰.

طبیبیان، محمد (۱۳۷۱)،"رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی"، *مجله برنامه و توسعه*، شماره ۴، ص۳.

عباسی، ابراهیم (۱۳۸۳)، *دولت پهلوی و توسعه اقتصادی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۱۶۲.

عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۷۱)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نی، صص ۲۵۲-۲۵۰.

فاتح، مصطفی (۱۳۸۴)، ۵۰ *سال نفت ایران*، تهران: علم، ص۱۵.

فرشادگهر، ناصر (۱۳۸۱)، *سیری در قراردادهای نفتی ایران*، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ص۹.

قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۸۲)،"ویژگی‌ها و پیامدهای ساختار رانتی در ایران"، *مجله فرهنگ و اندیشه*، شماره ۱۱، ص۱۳۹.

قاضی مهابادی، علیرضا (۱۳۷۹)، "اندیشه‌های رانتی آفت اصلی اقتصاد ایران"، *نشریه کیهان*.

قطبی، منصور (۱۳۸۲)، *نفت از آغاز تا امروز*، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، ص۲۸.

کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰)، *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص۵۳.

لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، *طلای سیاه یا بلای جان*، تهران: امیرکبیر، ص۳.

مجله اقتصاد ایران، تیرماه ۱۳۸۲، ص ۳۱.

مجله نفت، گاز، پتروشیمی، شماره ۲۵، ص ۲۸.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]

موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (۱۳۷۶)، *طرح درهم‌آمیزی صنعت نفت و اقتصاد ملی*، تهران: موسسه مطالعات انرژی، صص ۲۵۳-۲۵۰.

مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۴)، "اقتصاد ایران سیاسی رانتی است"، *نشریه توسعه*.

میرترابی، سعید (۱۳۸۴)، *مسائل نفت ایران*، تهران: قومس، صص ۱۳۸-۱۱۷.

نصری، قدیر (۱۳۸۰)، *نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۲۰۱-۲۰۰.

واسیلیف، الکسی (۱۳۵۸)، *مشعل‌های خلیج‌فارس*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی، ص ۱۰.

وهاجی، عبدالحسین (۱۳۸۰)، "آزادسازی تجاری تنها راه مقابله با رانت‌جویی"، *نشریه ایران*.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۴)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ ۱۱، ص ۱۹۸.

یرگین، دانیل (۱۳۷۴)، *تاریخ جهانی نفت*، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات، جلد اول، ص ۴۵.

Mahdavy, Hussein (1970), *The Patterns and Proldems of Economic Development in Rentier State*: *The Case of Iran in M.A. Cook*, (Ed), Studies in Economic History of the Middle East, London: Oxford University Press, PP.45-453.

Keddie, D. Nikki (1989), "Oil Economic Policy and Social Confict in Afshar,Haleh Iran: A Revolution in Tarmoil", London: Macmillan Press, PP.4-16.

Najmabadi, Afsaneh (1987), *Depolitization of a Rrentier State: the Case of Pahlavi Iran the Rentier State*, (Eds), Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, London: Groom Helm, P.211.

Etker, leyla (1983), *Turkish Dried Fruits*, Etiband Izmir, P.2.

Giacomo, Luciani (1987), *Allocation V.S. Production States: A Theoretical Framework, in Beblawi and Luciani (Eds)*, The Rentier State London:Croom Helm,PP.4-75.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-06 ]